

آس پاس (تپه‌های ماقبل تاریخ نزدیک آن)، چشمه تاریخی (تنگ جلو)، گومه (تل شاهی - تل وزیری)، قلعه مختارخان، داش قلعه سی یا دژ بهمن، سپهرم، گوشك زرد، ابرقو وهك، مائین (منطقه ابرج)، ملك آباد (بلوك كامفیروز - سد درودزن - میل تنگ دختر) گوشك، گوه ایوب

در گزارش مورخ ۱۹/۷/۴۱ آقای کریمی چنین نوشته شده است :
داینك به ترتیب مناطقی که مورد بازدید و بررسی و عکسبرداری و گمانه زنی قرار گرفته است بشرح زیر گزارش میگردد :

« ۱- آس پاس : اولین نقطه‌ای که بازدید شد آس پاس تقریباً در ۲۲ فرسخی مغرب ده بید قرار داشت در بین راه ده بید به آس پاس نزدیک حسن آباد تپه‌ای بود که تگه سفالهایی از ظروف ماقبل تاریخ در اطراف آن دیده میشد ولی بعلت کوچکی تپه نبودن کارگرمورد گمانه زنی قرار نگرفت .

« در آس پاس باطلاق معروف به گور بهرام گور و تپه سید عبداللهی مورد بازدید واقع شد این تپه که در ۳ کیلومتری آس پاس قرار دارد خاک برداری شده و زارعین خاک آنرا برای زراعت برده‌اند تگه سفالهای زیادی همزمان تل با کون (۳۵۰۰ ق . م) در اطراف آن دیده میشد .

« در ۶ کیلومتری جنوب آس پاس نیز چند تپه در محوطه وسیعی جلب توجه میکرد که حاکی از وجود شهری در ابتدای اسلام بود و تگه سفالهای اطراف آنها مؤید این موضوع بود .

« در جوار آس پاس دهی بنام بابائی واقع شده که دارای تلی به قطر ۵۰ متر و ارتفاع ۲۰ متر بود و قطعات سفال مکشوف در آن مربوط به اواخر عهد ساسانی و اوائل دوره اسلامی است . همچنین در نزدیکی این تپه و در مغرب چشمه‌ای که معروف به چشمه سلاطین میباشد تپه‌ای بنام پهلوانی نظیر تل بابائی مورد

بازدید و بررسی قرار گرفت .

«۲- چشمه ناز (تنگ جلوه) - در مسیر راه بین ده خسرو شیرین و کومه و فاصله ۱۸ کیلومتری شرق کومه و در ابتدای تنگ طویلی که به تنگ جلوه معروفست قبرستانی از اوائل عهد اسلام در کنار راه وجود دارد . در این منطقه دو میل سنگی مربوط به يك آتشکده ساسانی جلب توجه میکند . یکی از این میلها از محل خود به کنار قبرها منتقل گردیده و گویا برای استفاده قبور اسلامی حمل شده است . اما میل دومی در کنار پایه های سنگی خود به حال افتاده دیده می شود .

«در مجاور این میل و پایه های سنگی آن تخته سنگهای زیادی بود که بر روی یکی از آنها نبشته ای به خط پهلوی ساسانی در ۹ خط منقور بود ، گرچه حوادث اتمام آسیب زیادی به خطوط آن وارد کرده بود مع الوصف باز حروف آن مشخص میگردد .

«۳- گومه : در نزدیکی کوه دنا در مسیر راه فرعی آس پاس به سمیرم قریه ای بنام کومه قرار دارد ، در این آبادی دو قل بزرگ یکی بنام تل شاهی و دیگری بنام تل وزیری بین اهالی قریه معروفست ، قلعه این آبادی بر روی تل شاهی بنا شده و باتل وزیری در حدود ۲ کیلومتر فاصله دارد . تل وزیری پس از مطالعه مورد گمانه زنی آقای دکتر واندنبرک قرار گرفت .

«مشخصات تل وزیری : ارتفاع از پای تپه تا سطح فوقانی با توجه به شیب تپه ۳۸ متر ، محیط تپه ۲۵۰ متر ، در گمانه زنی این تپه که ۲ روز طول کشید در قسمت فوقانی و شمال آن آثار يك ساختمان قدیمی ماقبل تاریخ آشکار شد . این ساختمان از خشتهای نیم بز با ابعاد ۱۲ × ۲۷ × ۴۳ سانتیمتر ساخته شده و قطر دیوارهای آن بالغ بر ۴۸ سانتی متر و طول هر دیوار اطاق مکشوفه ۲/۲۰ متر بود ، روی دیوارها با اندودی از گل سفید رنگ پوشیده و سفید کاری شده بود .

«چون برای کاوش تپه وقت زیاد لازم بود لذا آقای واندنبرک عملیات گمانه زنی را متوقف نمود به عقیده نامبرده این ساختمان مربوط به قوم پارسوا

(۷۰۰ ق. م) بود، در این گمانه‌زنی چون به کف ساختمان نرسیدیم آثار منقول بدست نیامد.

۴ - بازدید قلعه مختارخان: این قلعه بین راه کومه به سمیرم درده کیلومتری جاژه فرعی از ده حنا قرار دارد و شامل يك قلعه سنگی بزرگی در بالای کوه مرتفعی میباشد (ش ۲۹۴) در کمر این کوه کتیبه‌ای لایقرا دیده میشود و در پای کوه دو حوض بزرگی که در سنگ کنده شده بود وجود داشت که گویا مخازن آب ساکنین قلعه بوده است.

«هر يك از این مخازن سنگی دارای ۱۱ متر طول و ۴/۳۰ متر عرض و ۳/۳۰ متر عمق و ۱۳ عدد پله بود که طول هر کدام از پله‌ها ۷۰ سانتی متر و عرض آنها ۲۸ سانتی متر و بلندی هر يك ۲۵ سانتی متر بود.

«در قلعه کوه که بنام داش قلعه سی یا دژ بهمن نامیده میشود بر روی ۴ ستون سنگی که در چهار طرف سطح فوقانی کوه قرار داشت کتیبه‌هایی برجسته و گودنقر شده بود ولی بمناسبت آنکه امکان صعود برای ما میسر نبود آقای دکتر و اندنبرگ وسیله آموزش يك کوه‌نورد محلی به فن عکاسی توانست از این کتیبه‌ها عکسبرداری کند.

«این چهار ستون سنگی وسیله دیوارهای چینه‌ای اطراف، سطح فوقانی کوه را بشکل قلعه در آورده بود. کتیبه دیگری به خط عربی در جنوب این کوه بر سینه سنگ دیده میشود.

۵ - سمیرم: در سمیرم ۵ میل سنگی (آتشکده ساسانی) بشرح زیر بازدید و اندازه گیری و عکسبرداری شد:

الف - ۲ میل سنگی استوانه در تنگ سیل (در داخل شهر سمیرم) با ۱۴ متر فاصله از همدیگر.

اندازه‌های این میلها عبارتند از ۲/۲۸ متر درازا و ۰/۳۹ متر قطر.

ب این ۲ میل در کنار منازل مسکونی اهالی قرار داشت و یکی از آنها بدیوار خانه یکی از ساکنین وصل بود.

«ب - از میل سنگی دیگری با همین مشخصات در ۴ کیلومتری جاده سمیرم به شهرضا عکسبرداری شد (ش ۲۹۵) این میل در هنگام باریدن برف که جاده مشخص نیست برای راهنمایی مسافران علامتی اطمینان بخش بشمار میرود.

«ج - در ۲ کیلومتری جنوب سمیرم يك میل دیگر که در داخل گودی خوابیده بود اندازه گیری و عکسبرداری شد. مردم سمیرم هنگام طلب باران این میل را برپا میکنند و مراسم نماز بجا میآورند و سپس آنرا بحال پیشین برمی گردانند.

«د - پنجمین میل سنگی بر روی تپه‌ای طبیعی در مشرق سمیرم و در فاصله ۶ کیلومتری وجود داشت که آن نیز اندازه گیری و عکسبرداری شد. این میل هم زیارتگاه مردم حول و حوش بوده اطراف آن سنگهای علامت نیاز بر روی زمین بتعداد زیاد نهاده‌اند.

(شماره ۶ مذکور در گزارش آقای کریمی مربوط به چارطاقی و مسجد ایزدخواست است که چون در صفحه اول کتاب بمعرفی آن پرداخته است لذا از نقل این قسمت گزارش مزبور خودداری گردید).

«۷ - گوشک زرد: پس از طی ۱۰ فرسخ از آباده، از طریق اقلید و آب باریک به گوشک زرد رسیدیم، در این ده که مردم بسیار فقیری دارد و آبادی کوچکی را تشکیل میدهد از سه تپه که نمونه‌های سفال‌های پیش از تاریخ نظیر تل باکون داشت بازدید شد و چون خرابه‌های يك ساختمان سنگی بزرگ در مجاور تپه‌ها بود (ش ۲۹۶) اقدام به عملیات گمانه‌زنی و خاکبرداری گردید.

«ابتدا آقای واندنبرگ تصور می کرد که این منطقه همان شهر نسیا میباشد که اسکندر پس از آتش زدن تخت جمشید به آنجا آمد و مدتی به استراحت پرداخت.

«عملیات خاکبرداری ابتدا از سردرب عمارت خرابه آغاز گردید و دو تخته سنگ بزرگ که در واقع شکل مثلث داشتند ولی ضلع سوم آنها کمافی و دارای نقوش سبک یونانی بصورتی بسیار زیاد بود پیداشد، این دو سنگ با اتصال بیکدیگر سردرب ورودی بنا را تشکیل میداده است، حریم و پایه‌های کلیه این

بنا و تهستون‌های داخل بنا همه از تخته‌سنگ تراشیده بود. پس از آنکه عملیات خاکبرداری ادامه یافت محل پایه‌های چهار برج در چهار گوشه بنا آشکار شد.

دیوارها و سقف بنا از آجرهایی به ابعاد $۲۵ \times ۲۴ \times ۵$ سانتی‌متر ساخته شده و زینت‌های اطراف درب ورودی را کاشی‌های معرق لوزی شکل برنگهای زرد و آبی و بنفش قرار داده بودند، بطور کلی این عمارت دارای حیاطی در وسط و اطاقهایی با نضمام راهروهایی در چهار طرف بود که راهروها نیز از تخته سنگ مفرش گردیده بود.

گرچه این ساختمان اسلامی و اهالی نیز آنرا کاروانسرای شاه عباسی مینامیدند و از آجرهای آن دیوارهای قلعه خود را ساخته بودند ولی بدون شک سنگهای آن مربوط به يك کاخ قدیمی و باستانی تر بود و احتمال قوی داشت که حدس آقای واندنبرگ صحیح باشد، طول این کوشک $۵۲/۴۰$ متر و عرض آن $۴۸/۲۰$ متر اندازه گیری شد، عملیات خاکبرداری سه روز طول کشید.

در قریه سولار که در نزدیکی کوشک زرد بود خرابه‌های چنین ساختمانی وجود داشت که از تخته سنگهای آن اخیراً برای ساختن حمام ده استفاده کرده بودند.

۸- ابرقو و هك: در این منطقه آقای واندنبرگ از قلعه و يك چهارطاق عهد اسلامی بازدید و عکسبرداری نمود.

۹- مائین (منطقه ابرج) در مائین يك کاروانسرای دوره صفویه تقریباً سالم باقیمانده که غیر از سنگهای سردرب (که بدون نقش است) بقیه بنا تقریباً شباهت بکاروانسرای کوشک زرد دارد، کلیه قسمت‌های این کاروانسرا نیز توسط آقای واندنبرگ اندازه گیری و از جهات مختلف عکسبرداری شد.

۱۰- ملك آباد - (بلوك گان فیروز) در این منطقه آثار ساختمان يك سد قدیمی بنام درودزن و يك میله سنگی بنام میل تنگ دختر نزدیک سد وجود دارد که دارای سه کتیبه میباشد، دو کتیبه آن بزبان عربی و کتیبه سوم بزبان فارسی و در

زمان ناصرالدین شاه (۱۳۰۸ هـ) نقر شده و مربوط بتاریخ تعمیرات سد رودزن و سهم آبیاری بلوک رامجرد و بلوک کام فیروز است، تخته سنگهای سد رودزن و میله مذکور وسیله آقای واندنبرگ اندازه گیری و عکسبرداری شد.

۱۱- گوشگک - در گوشگک کوهی با اسم بانس وجود دارد که دارای دو آستودان بسیار زیبا است بدین معنی که اطراف آستودانها با خطوط مستقیم و منکسر تزئین و حاشیه بندی شده است این آستودانها در مجاور یکدیگر قرار داشت. از این آستودانها نیز عکسبرداری شد.

۱۲- گوه ایوب - واقع در فالونک که تپه مجاور آن چند سال قبل توسط آقای واندنبرگ حفاری شده بود دارای يك قبر در ارتفاع زیادی بود که امکان ورود بآن ممکن نگردید، این قبر تقریباً بر اساس قبور ساده هخامنشی ساخته شده که عکس آن نیز گرفته شد.

در گزارش آقای کریمی از بازدید ایشان با آقای پرفسور واندنبرگ از آثار تاریخی دیگر فارس که در گوئیم و خاک ممسنی قرار دارد و همچنین از بررسیهایی که در آثار باستانی بهبهان و ایذه و مالامیر صورت داده اند نیز اطلاعاتی مرقوم گردیده است که از این جمله آنچه در خاک فارس واقع میباشد در صفحات گذشته کتاب معرفی گشته است و آنچه مربوط به سرزمین خوزستان است در این کتاب توضیح داده نمیشود لذا از نقل قسمت های دیگر گزارش مورد ذکر خودداری مینماید.

توضیح پیشتر درباره بقعه امامزاده حمزه (ع)

واقع در بوانات

در صفحه هشتم متن کتاب درباره اثر تاریخی امامزاده حمزه بوانات توضیح مختصری مرقوم و اشاره گردید که تاریخ مذکور در آن ۹۵۳ هجری است و چون اطلاع بیشتری نداشت و عکسی هم از آن در دست نبود که مندرج گردد ناچار مذکور آنچه گذشت اکتفا نمود، هنگامی که صفحات این قسمت کتاب زیر چاپ بود گزارش آقای رحمت الله ناتوان از کارمندان بسیار باقریحه و علاقمند اداره باستان شناسی فارس درباره بقعه مورد ذکر همراه نامه شماره ۳۳۸۱ - ۴۱/۱۲/۹ اداره نامرده که برای تأمین نظریات ادارات کل اوقاف و باستان شناسی محل تاریخی مرورر بازدید کرده بودند به اداره کل باستان شناسی رسید و از راه معاضدت در تکمیل مطالب کتاب حاضر

فکارند هم توفیق استفاده از گزارش را بدست آوردم (۱) که مانند موارد دیگر نظیر چنین موقعی موجب سپاسگزاری و امتنان کاملم را فراهم ساخته و میسازد) و اینک آنچه درخور ذکر در اینمورد می‌شناسد از گزارش مزبور اقتباس و نقل می‌نماید :

بنای کنونی امامزاده (۲) عبارتست از يك گنبد مدور (ش ۲۹۷) بارتفاع تقریبی ۱۶ متر که سبک طاق مدور آن عیناً به قیصریه بازار لار شباهت دارد، دور تادور بدنه اطاق در فواصل معین کتیبه های کوچکی از خط کوفی تزئینی قرار گرفته . سه شاه نشین در جهات شمال و جنوب و مشرق واقع شده و درب ورودی رو به مغرب باز می‌شود، محوطه امامزاده عبارت است از فضای نسبتاً بزرگی که درختان چنار کهنسالی بر اُبّهت سکوت آن میافزاید، درب ورودی حیاط امامزاده نیز در سمت باختر قرار دارد که سر در آن فرو ریخته و تنها قسمت جزئی از گچ بریهای آن باقی مانده است، این گچ بریها یکی از نفیس ترین آثار هنری قرن دهم هجری بشمار می‌رود، تناسب شگرف و خوش حالت اسلیمی ها با نقوش بدیع و زنده و صحنه های جاندار و ستیز آمیز تزارع شیر و آهو در کنار حالت بیخبری مرغان آواز خوان علاوه بر اینکه حاکی از چربدستی هنر کاران است بوضعی خیال انگیز مبین هیجانات و مظاهر روحی مردم در سواحل کویر میباشد

«در ضلع دست راست درب ورودی اشعاری بر قطعه سنگی منقور است که نصب آن بدستور میرزا محمد حسین وزیر صورت گرفته و تاریخ آن معادل با مجموع حروف ابجدی این مصرع (بحمد الله دعای خیر حاصل) یعنی سنه ۱۰۷۴ میباشد . درب امامزاده نیز قدیمی بوده در قسمت بالائی آن آیتی از قرآن بصورت برجسته مرقوم

(۱) در صفحه ۸ کتاب حاضر محل بقعه قریه باقر ذکر شده است و آقای ناتوان در گزارش خود قریه مزبور را بنام بزوم و بزومه معرفی نموده اند .

(۲) در آغاز گزارش فوق ضمن ذکر تاریخچه مختصر امامزاده حمزه اشاره رفته است که آن بزرگوار یکی از اولادان امام موسی کاظم بوده مقارن ماهنگام شهادت حضرت رضا (ع) و تعقیب اولاد بنی هاشم از طرف فرمانروایان جابر معاصر خود طاهراً بانفاق خواهرش در آمادی کنونی بزوم ۲۲ کیلومتری سوریان (مرکز بوانات) مقبول شده یا در گذشته است و مقبره خواهر و برادر بمسافت دوست متری یکدیگر قرار دارد. در پایان گزارش نیز مسافت بقعه را بیش از هشتاد کیلومتر خارج از جاده بید (بطرف مشرق مایل سمت جنوب) ذکر نموده اند .

گردیده است (ش ۲۹۸) ، محوطه‌ای که درب ورودی بدان منتهی می‌شود (مقصود رواق بقعه است) و بوسیله درب دیگری از حرم جدا می‌گردد بوسیله طاقی پوشیده گشته که دارای اشکال هندسی است و گچ بریهای بسیار زیبایی از سقف آن فروریخته و قسمتی نیز زیر گچ کاری‌های بعدی پنهان مانده است ، گچ بریهای فروریخته در اطاقی قرار داده شد و با ولیاء فرهنگ محل توصیه گردید که از ضایع شدن آنها جلوگیری شود تا بعداً در دیواره مدخل به صورت مناسب نصب گردد . در ضلع دست چپ درب دولنگه‌ای خاتم کاری ، اطاقی است که آنهم از آثار دوران صفوی است در وسط درب نوشته شده (عمل استاد علی بمان نجار ۹۹۳) و دور تا دور قسمت بالائی چارچوب با خط ثلث زیبایی اسامی دوازده امام کننده کاری شده ، محجر چوبی از سه طرف منقش به کننده کاری‌های برجسته میباشد ، که بدستور شاه عباس کبیر (۹۹۴-۱۰۳۸) تهیه شده . بر روی درب محجر (ش ۲۹۹) با خط ثلث چنین نوشته‌اند ،

«کتبه الفقیر بماند علی فی سنه الف و سبع» (۱) در ضلع دیگر محجر اشعاری حاکی از اینکه در هنگام سلطنت شاه عباس اول محجر تهیه شده مرقوم رفته است (ش ۳۰۰) و ماده تاریخ تهیه آن هم سنه ۱۰۰۷ می‌باشد و چنین سروده شده است : (۲)

(۱) بطوری که از عکس در مزبور برمیآید دو لوحه چوبی (تنکه) کتیبه‌دار لنکه طرف چپ در محل خود کار گذارده نشده بالا و پائین قرار گرفته یعنی محل آنها بایکدیگر تبدیل گردیده است ضمناً نام درودگر سارنده در بر لوحه پائینی لنکه طرف راست مرقوم رفته است که بواسطه روشن نبودن خطوط از روی عکس تشخیص کامل آن میسر نگردید و کلمات عمل استاد و علی.... در آن ملاحظه می‌شود .

(۲) در حاشیه باریک سه طرف بدنه مستطیل شکل آلت کاری که در شکل ۳۰۰ نمودار است پنج بیت بخط نستعلیق کمی برجسته بر زمینه ساده چوب نگاشته‌اند که از روی عکس ضمیمه گزارش شرح زیر خوانده شد (آخرین بیت آن حاوی تاریخ و در متن گزارش مذکور است):

ابوالمظفر عباس شاه عرش جناب
گشاده است برویش مفتوح الابواب
که هست خادم آل محمد و احباب
در این مقام شریف از برای یل ثواب
اگر طلب کنی از فیض لم یزل دریاب

بدور سلطنت شاه عادل باذل
بلند مرتبه شاهی که باب فتح و ظفر
غلام شاه چخانشاه (؟) ابن ابراهیم
ز روی صدق و صفا ساخت این محجر را
چو فیض لم یزلت این تو نیز تاریخش

«چو فیض لم یزل است این تو نیز تاریخش اگر طلب کنی از (فیض لم یزل) دریاب
در دیوار غربی حرم نیز کچ بریهای زیبا و خوش خطی دیده میشود که نام
استادکار آنرا چنین نقش نموده اند :

(عمل استاد شمس الدین بن عبدالحسین اصفهانی بنا)

«کچ بری جرزهای یکی از شاه نشین های داخل حرم نیز مؤید اینست که قبل
از پادشاهی شاه عباس کبیر یعنی در دوران سلطنت شاه طهماسب بن اسمعیل کچ بریها
احداث شده است و بیت زیر تاریخ آنرا اعلام میدارد :

باهتمام همام الانام گشت تمام بسال نهصد و پنجاه و سه بفتح و ظفر

آنچه از خلال قسمت های دیگر گزارش فوق برمیآید اشاره مجدد به این مطالب است
که مقرنس کاری های مدخل صحن امامزاده و تزئینات کچی سقف رواق بقعه از آثار هنری قابل
توجه دوران صفوی بوده قسمت هایی از آن ریخته است و روی قسمت هایی دیگر هم بعداً کچ
کشیده اند و در این باره اقدام و مراقبت لازم برای تعمیرات صحیح فنی و حفظ آثار موجود
ضرورت دارد .

اطلاعاتی چند درباره برخی از آثار باستانی ناحیه ممسنی

مقارن با پایان چاپ مطالب بالا ضمن مرور یادداشت های کوتاه و اجمالی مستخرج از کتاب
باستان شناسی در ایران - تألیف پرفسور و اندبرگک - که سابقاً بمعرفی آن پرداخته است
دریافتم که اطلاعاتی راجع به برخی آثار باستانی ناحیه ممسنی در کتاب حاضر ناگفته مانده
است و بمنظور اینکه اطلاعات مزبور نیز تاحدی گفته آمده باشد مناسب دید اطلاعات مختصر
مذکور در این باره را از کتاب نامبرده نقل نماید . در صفحه ۵۲ کتاب مورد ذکر چنین مرقوم
رفته است :

«هرتسفلد در سال ۱۹۲۴ (۱۳۰۳ شمسی) ویرانه های ساختمانهای عهد
عیلامی و آجرهائی را که نبشته عیلامی داشته مربوط به ۱۵۰۰ تا ۱۰۰۰ سال
پیش از میلاد بود در تل اسپید^(۱) واقع در ده کیلومتری مغرب فهلیان کشف نمود»

(۱) در صفحه ۱۳۹ متن کتاب از اثر باستانی تل اسپید نام برده شده است .

در صفحه ۵۸ کتاب مزبور نیز دو مطلب زیر ذکر گردیده است :

« ده کیلومتر دورتر از کورانگون در دره نو در محل سرآب سیاه سراورل استین بندی از عهد ساسانیان را دید (۱) »

« چند کیلومتر دورتر از دخمه کوهستانی داودختر در ناحیه انتهای غربی فارس و آغاز خاک خوزستان در محلی بنام پل برین (Pul-i Brin) سراورل استین ویرانه‌های دو پل را که در رودخانه تنگ برین فروریخته و یکی از آن دو مربوط به عهد ساسانی است کشف نمود »

مجملی از برخی آثار باستانی در خلیج فارس

در آخرین روزهای مهرماه ۱۳۴۱ و نخستین روزهای آبانماه ۱۳۴۱ برای بررسی و آشنائی بیشتر مردم ایران و دیگر علاقمندان بمطالب راجع به خلیج فارس از طرف اداره کل انتشارات و رادیوی ایران جلسات سمیناری در مدت هشت روز ترتیب داده شد و طی سخنرانیهای مختلف از پیشینه تاریخی و اوضاع طبیعی و اقتصادی و سیاسی و مطالب دیگر راجع به سواحل و جزایر خلیج نامبرده بحث گردید و طبق نظر اولیای محترم اداره کل انتشارات و رادیو مقرر گردید که نگارنده نیز سخنرانی بمدت نیم ساعت درباره آثار باستانی خلیج فارس ایراد نماید و بدین لحاظ آنچه درخور امکانات و توانائیم برای انجام این نظریه بود فراهم و سخنرانی مزبور در جلسه روز شنبه ۲۸ مهرماه ۱۳۴۱ ایراد گردید ضمناً در خلال بررسی کتب و منابع مورد اطلاع جهت تهیه مطالب سخنرانی مورد ذکر به این نکته توجه یافت که از جمله منابع مفید برای آشنائی و اطلاع بهتر نسبت به اوضاع قدیم و آثار فارس در ادوار گذشته میتوان کتاب سرزمینهای خلافت شرقی تألیف لی سترنج G. Le Strange ترجمه آفای محمود عرفان (از انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب شماره ۱۵ مجموعه ایرانشناسی - چاپ تهران ۱۳۳۷) را نام برد و با ملاحظه فصول هفدهم و هیجدهم و نوزدهم کتاب مزبور (صفحات ۲۶۷ تا ۳۲) استفاده شایان از این بابت حاصل نمود و هر چند گویا قرار است مجموعه سخنرانیهای سمینار خلیج فارس بصورت کتابی از طرف اداره کل انتشارات و رادیو چاپ و منتشر گردد نگارنده مناسب

(۱) در صفحات ۱۳۹ و ۱۴۰ متن کتاب اشاره به دو سد قدیمی در کوهستانهای نزدیک داودختر گردیده ضمناً در صفحه ۳۹۹ ذکری از رودخانه سرآب سیاه و پیدایش ظروف مسی از کف آن بعمل آمده است .

دانت سخترانی مزبور را با حذف مطالبی که کم‌وبیش قبلاً در تلو صفحات کتاب حاضر ذکر شده است در قسمت ذیل درج نماید تا بدین وسیله اطلاعاتی که بدین مناسبت درباره پیشینه سواحل فارس در کنار خلیج فراهم آمده است نیز ضمن سایر مطالب کتاب در اختیار علاقمندان قرار گیرد، اینک به نقل قسمت‌هایی از سخترانی مزبور می‌پردازد :

«..... شهر بوشهر طبق آنچه در کتاب «ایران از آغاز تا اسلام» تألیف دکتر کیرشمن اشاره رفته در عهد سلو کی احداث گردیده است، نامبرده چنین می‌نویسد: «سلو کیان کمتر از نه شهر در ساحل خلیج فارس بنا نکردند و از آن جمله است انطاکیه در یارس - بوشهر امروزه - که جانشین شهر کهن عیلامی گردید. (۱) در کتب عهد اسلام نخستین کسی که از بوشهر نام برده یاقوت است که در کتاب معجم البلدان (قرن هفتم هجری) نام این محل را بوشهر ذکر نموده است.

چون سواحل خلیج فارس را از شبه جزیره بوشهر بجانب شمال غربی پیمایند بد ترتیب از محل‌های بندر گاه‌های قدیم گناوه (مغرب آن جنابه) و سینیز یا سینیز در محل بندر دیلم کنونی و مهر و بان و هندیجان می‌گذرند. بندر گناوه در جانب شمال غربی بندر ریگ است که محاذی جزیره خارک بوده مسافت مستقیم ساحل خلیج از بندر ریگ تا جزیره مزبور قریب سی کیلومتر و نزدیک‌ترین نقطه ساحل بآن جزیره است - یاقوت که خارک را دیده است می‌نویسد که از ارتفاعات آنجا جنابه و مهر و بان را که هر دو در ساحل ولایت ارچان واقع اند میتوان دید.

بگفته سترنج ویرانه‌های گناوه قدیم نزدیک دهانه رودخانه‌ای که در نزدیکی بندر گناوه بخلیج فارس میریزد واقع است (۲) درباره سینیز یا سینیز که محل آن گویا نزدیک بندر دیلم کنونی است اصطخری دو قرن چهارم هجری

(۱) کتاب ایران از آغاز تا اسلام تألیف دکتر کیرشمن ترجمه دکتر محمد معین از انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب - شماره ۱ مجموعه ایران‌شناسی چاپ طهران ۱۳۳۶ - ص ۲۲۲
(۲) کتاب سرزمینهای خلافت شرقی صفحه ۲۹۵.

مینویسد که شهری بزرگ بوده در کنار خوری واقع گردیده است و تادریانیم فرسخ فاصله دارد، مقدسی اشاره نموده است که مسجد و دارالاماره و بازارهای بسیار معمور دارد و بنا بر گفته یاقوت در سال ۳۲۱ قمری مطی‌ها آنجا را تصرف کرده مردم آنرا کشتند و شهر را چنان ویران ساختند که جز اندکی از آن باقی نماند ولی فارسنامه در قرن ششم و حمدالله مستوفی در قرن هشتم آنجا را شهری آباد معرفی کرده و اشاره نموده اند که کتان در آنجا هم کاشته و هم بافته می‌شود و آن بندر در پناه قلعه‌ای است.

بندر مهر و بان در نزدیک مرز غربی خاک فارس واقع و نخستین بندری بود که وقتی کشتی‌ها از بصره و مصب شط العرب بعزم هند بیرون می‌آمدند بآنجا میرسیدند و بندر مهم **ارجان (ارگمان)** که نام ناحیه مهم شمال غربی فارس بود بشمار میرفت و در قرن چهارم هجری شهر معمور بود و مسجدی خوب و بازارهایی آباد داشت - **ناصر خسرو** در سال ۴۴۳ هجری بندر مهر و بان را دیده است و درباره آن چنین می‌گوید:

شهری بزرگ است بر لب دریا نهاده بر جانب شرقی و بازاری بزرگ دارد و جامعی نیکو اما آب ایشان از باران بود و غیر از آب باران چاه و کاریز نبود که آب شیرین دهد، ایشان را حوض‌ها و آبگیرها باشد که هرگز تنگی آب نبود و در آنجا سه کاروانسرای بزرگ ساخته اند هر یک از آن چون حصار است محکم و عالی و در مسجد آدینه آنجا بر منبر نام یعقوب لیث دیدم نوشته پرسیدم از یکی که حال چگونه بوده است گفت که یعقوب لیث تا این شهر گرفته بود ولیکن دیگر هیچ امیر خراسان را آن قوت نبوده است و در این تاریخ که من آنجا رسیدم این شهر بدست پسران اباکالنجار بود که ملک پارس بود و خوار بار این شهر از شهرها و ولایتها برند که آنجا بجز ماهی چیزی نباشد» (۱).

(۱) نقل از کتاب سرزمین‌های خلافت شرقی ص ۲۹۴/۵، ضمناً دانشمند محترم آقای

محیط طباطبائی معتقد هستند که بندر مهر و بان نزدیک بندر دیلم کنونی واقع بوده است.

درباره ریشهر واقع در انتهای غربی خاگ فارس^(۱) مناسب میداند چند سطری را که در کتاب سرزمین‌های خلافت شرقی نگاشته شده است عیناً نقل نماید: «اهمیت ریشهر تا زمان سلجوقیان پایدار ماند و فارسنامه ابن بلخی از قلعه آن ذکر می‌کند و آورده گوید آنجا کشتی میسازند بگفته حمدالله مستوفی ایرانیان آن را «بر بیان» می‌گفتند و اسم اصلی ریشهر بوده است و دادوستد مردم آن شهر باینادر خلیج فارس بسیار بوده «و هوائی بسیار گرم و متعفن دارد حاصلش غله و خرما و کتان ریشهری بود و بتابستان بیشتر مردم آنجا بقلعه‌ها بروند از بهر خوشی و هوا و از آنجا بدزکلات یک فرسنگ است» و بطوری که گفتیم از قلاع اسماعیلیه بوده است. نزدیک ریشهر هندوچان شهر و ولایتی در ساحل سفلی رودخانه ارجان است. مقدسی گوید هندوچان یا هندوان بازاری بزرگ برای فروش ماهی است و مسجدی زیبا دارد. در ولایت هندوچان بقایای آتشکده و آسیاب‌های کهنه وجود داشت و گفته میشد که در آنجا مثل مصر کنج‌هایی در زیر زمین مدفون است. قزوینی گوید در آنجا چاهی است که از آن بخاری سستی بیرون می‌آید و هر گاه پرنده‌ای از بالای آن چاه پرواز کند در آن فرو می‌افتد و میمیرد.»^(۲)

در جای دیگر همین کتاب^(۳) درباره نام بندر گناوه اشاره میکند که «ایرانیان آنرا کنفه یا آب‌گنده می‌نامند زیرا آب آنجا چرکین است» - تصور می‌رود مسموم بودن بخارچاه هندوچان مذکور در کتاب حمدالله مستوفی و چرکین بودن آب در بند گناوه از قدیم‌الایام از جمله آثار وجود منابع نفت در آن نواحی باشد.

اثر باستانی مهم دیگر خلیج فارس که در اواسط کرانه شمالی آن قرار دارد محل بندر سیراف نزدیک بندر طاهری کنونی بشمار می‌رود که در عهد ساسانیان و فرون اولیّه اسلامی دارای اهمیت و موقعیت برجسته و شهرت فراوان بوده است،

(۱) محل آن بمسافت مختصری در شمال بندر معشور بوده غیر از ویرانه‌های ریشهر واقع

در سبه جزیره بوشهر است

(۲) کتاب سرزمین‌های خلافت شرقی ص ۲۹۲/۳.

(۳) همان کتاب صفحه ۲۹۵.

بقایای جاژه سنگی عهدساسانی که از فیروزآباد به بندر سیراف میرفته از کنارسیاه و دهرام در میان دشت و دزگناه و جهم می گذشته به بندر طاهری کنونی یا بندر سیراف قدیم منتهی می گردیده است، ضمن راههای سیراف بداخل فارس در کتب مسالك الممالك اشاره شده است و در زمستان سال ۱۳۳۸ هـ.م ضمن مسافرت دانشمند بلژیکی پرفسور واندنبرگ L. Vanden Berghe مورد بررسی واقع گشت و همچنین بنای مفصل کاروانسرای عهدساسانی و آثار و بقایای سه کاروانسرای دیگر در کنار راه مزبور از طرف پرفسور نامبرده مشاهده و بررسی گردیده است.

جاژه و کاروانسراهای مزبور وسیله ارتباط بندر مهم سیراف و شاهراه بازرگانی عهدساسانی بین بندر نامبرده با فیروزآباد و سایر قسمت‌های کشور شاهنشاهی ایران در عهدساسانیان بود.

برای نمودن اهمیت آبادانی بندر سیراف که تا نیمه دوم قرن چهارم هجری ادامه داشته است نقل برخی نوشته‌های کتب قدیم که در کتاب سرزمینهای خلافت شرقی ذکر شده است بمرور بنظر می‌رسد:

« اصطخری در قرن چهارم هجری مینویسد سیراف از حیث بزرگی و جلال با شیراز همسری میکند ساختمانهای آنجا از چوب ساج است که از زنگبار می‌آورند و عمارت‌های چند طبقه دارد که مشرف بر دریا ساخته شده همچنین گوید مردم سیراف در مخارج عمارت اسراف میکنند چنانکه یکی از بازرگانان برای خانه خویش بیش از سی هزار دینار (پانزده هزار پوند^(۱)) خرج می‌کند. سپس گوید اهالی آنجا از تمام اهل فارس توانگرترند و کسانی هستند که ثروت آنان از شصت هزار هزار درهم (دو میلیون پوند^(۲)) بیشتر است و همه آنرا از راه تجارت

(۱) حدود سه میلیون ریال.

(۲) حدود چهارصد میلیون ریال، دانشمند محترم آقای سلطانعلی شیخ الاسلامی (سلطانی) پس از ملاحظه سطور بالا اظهار عقیده نمودند که اصطخری و ابن حوقل روایت می‌کنند بعضی اشخاص را دیدم که چهار میلیون دینار دارند که معادل دو میلیون پوند می‌شود و تسمیر شصت هزار هزار درهم بامبلغ فوق تطبیق نمی‌کند و مربوط بجای دیگر کتاب مؤلفین نامبرده است.

دریا بدست آورده‌اند اطراف شهر باغستان و درخت وجود ندارد و میوجات و بهترین آب شهر از کوهی است مشرف بر آن موسوم به کوه چم و در آن کوه قلعه‌ای عظیم است موسوم به سمیران، مقدسی در خصوص سیراف گوید تجارت آن از بصره بیشتر است و خانه‌های آنجا بهترین خانه‌هایی است که من دیده‌ام و در سال ۳۶۶ تا ۳۶۸ زمین لرزه‌ای در آنجا وقوع یافت و هفت روز زمین را تکان می‌داد چنانکه اهل شهر بسوی دریا گریختند و اکثر خانه‌ها ویران و با خاک یکسان گردید (۱).

پرفسور بازیل گری (Basil Gray) دانشمند باستان‌شناس انگلیسی در سخنرانی مورخ یکشنبه ۹/۲/۴۱ که در مؤسسه باستان‌شناسی انگلیسی در طهران تحت عنوان تأثیر تمدن ایران در چین ایراد نمودند باین مطلب اشاره کردند که سیراف و هرمز و کیش سه مرکز صدور و بندر ارتباط بین ایران و چین بوده است و بهمین مناسبت احتمال کشف نمونه‌های اشیاء صادره از ایران بچین در نقاط مزبور می‌رود و این موضوع نیز خود از جمله کارهایی است که شاید زمینه تحقیقات کاوشهای آینده قرار گیرد بخصوص که علاوه بر اهمیت سیراف و هرمز و کیش از لحاظ مرکزیت تجارت ایران با چین و بالعکس از آنجا بطوری که می‌دانیم بازرگانی ایران با هندوستان و عربستان و سواحل بحر احمر و کشورهای آفریقای شرقی نیز از طریق همین نقاط صورت می‌گرفته است و احتمال پیدایش آثار مختلف هنری قدیمی کشورها و نواحی مزبور هم ضمن تجسساتی می‌رود.

«بازوال دولت آل بویه سیراف رو بویرانی نهاد و فارسنامه ابن بلخی چنین گوید «مالی بسیار از آنجا برخاستی تا آخر عهد دیلم هم برین جملت بود بعد از آن پدران امیر کیش مستولی شدند و جزیره قیس و دیگر جزایر بدست گرفتند و آن دخل که سیراف را میبود بریده گشت و بدست ایشان افتاد و رکن الدوله خمارتکین قوت رأی و تدبیر آن نداشت که تلافی این حال کند و باین همه يك دو بار بسیراف

(۱) نقل از کتاب سرزمین‌های خلافت شرقی ص ۲۷۸/۹.

رفت تا کشتی های جنگی سازد و جزیره قیس و دیگر جزایر را بگیرد و هر بار امیر کیش او را تحفه فرستادی و کسان او را رشوه ها دادی تا او را باز گردانیدندی و به عاقبت چنان شد که یکی بود از جمله خانان نام او **ابوالقاسم** و سیراف نیز بدست گرفت، اما در آغاز قرن هفتم هنگامی که یاقوت آنجا را دیده تنها مسجد آن باستون هائی از چوب ساج برپا بود و بقایای عمارتی در سمت ساحل وجود داشته ولی محلی برای لنگر انداختن کشتی ها نداشته و سفاین ناچار به ناپند می رفته اند. یاقوت همچنین گوید در زمان او اهل آنجا سیراف را **شیلاو** می گفتند، (۱)

نابند دماغه ایست که در انتهای شرقی سیف (یعنی ساحل) مقابل سیراف قرار داشته و آنرا **رأس ناپند** می گویند و پس از زلزله شکفت بندر سیراف بشرح نوشته یاقوت کشتی ها نمی توانستند به بندر مزبور برسند و بطوری که دانشمندان و محققین مختلف اظهار میدارند قسمتهای زیادی از بندر سیراف بر اثر زلزله بزیر آب رفته است و طبعاً در نتیجه همین قسمت بود که پس از زلزله کشتی ها نتوانند در سیراف لنگر بیندازند و ناچار باشند بر **رأس ناپند** بروند .

بین بندر سیراف و شبه جزیره بوشهر بندر گاه کم اهمیتی بنام **فجیر** وجود داشت که مسافت آن تا بوشهر در حدود نصف مسافت آن به بندر سیراف بالغ می گشت و در زمان مقدسی (قرن چهارم هجری) دارای دو مسجد و بازار های خوب بوده و بر که هائی داشت که از آب باران پر میشد.

احداث بر که ها و مخازن آب باران در سراسر سواحل جنوب ایران و در نقاط دیگر خاک فارس امری متداول بود و در کتب لغت نام این منابع آب باران **صهریج** (جمع آن **صهاریج**) ذکر شده است و از اینگونه منابع آب در سواحل خلیج فارس بطور متعدد وجود دارد و از جمله آنها در بندر لنگه منبع آب بسیار بزرگی از این نوع هست و اکنون بنام **برکه** و **آب انبار** خوانده میشود.

(۱) نقل از کتاب سرزمین های خلافت شرقی - ص ۲۷۹ - آقای سلطانی گفته یاقوت را مبنی بر ذکر شیلاو بجای سیراف لهجه محلی میدانند و معتقدند که لسترنج در این باره درست مطلب را درك و نقل ننموده است .

آثار قدیمی دیگری که بطور متعدد در قسمتی از سواحل خلیج فارس وجود دارد ویرانه‌های برجهایی است که در دامنه کوههای ساحلی خلیج ساخته بودند و بر فراز آنها آتش می‌افروختند و برای راهنمایی کشتیها مورد استفاده قرار میگرفته است و هم اکنون از بندر عسلویه در مشرق بندر ظاهری (محل بندر سیراف) تا بندر لنگه و تا بندر عباس بقایای اینگونه برجها باقی و پدیدار است.

از بندر سیراف که بطرف مشرق بجانب دهانه خلیج فارس بروند جزیره کیش بر سر راه قرار دارد که خود از مراکز مهم بازرگانی و آبادانی خلیج فارس بوده است. شهر قدیم کیش در سمت شمال این جزیره واقع شده تپه‌های زیادی از آثار خانه‌های آن و ستونهای سنگی در اطراف آنها اکنون باقیمانده است و تا اواخر قرن هشتم هجری جزیره مزبور دارای شهرت زیاد بوده بعدها رو بوبرائی گذارده و جزیره هرموز راه ترقی و آبادی پیمود (۱).

نمونه آبادی و رونق جزیره کیش را میتوان از حکایت شیخ سعدی در کتاب گلستان گواه آورد که چنین مینویسد: «بازرگانی را دیدم که صدوپنجاه شتر بار داشت و چهل بنده و خدمتکار شبی در جزیره کیش مرا بحجره خویش در آورد همه شب بیارمید از سخنها پریشان گفتن که فلان انبارم بترکستان است و فلان بضاعت بهندوستان و این قبالة فلان زمین است و فلان چیز را فلان زمین گاه گفتمی خاطر اسکندریه دارم که هوایی خوشست باز گفتمی نه که دریای مغرب (۲) [مشوش است سعدی یا سفری دیگر در پیش است اگر آن کرده شود بقیمت عمر خویش بگوشه‌ای بنشینم گفتم آن کدام سفر است گفت گوگرد پاریسی خواهم بردن بچین که شنیدم قیمتی عظیم دارد و از آن جاکاسه چینی بروم آرام و دیبای رومی بهند و فولاد هندی بحلب و آئینه حلبی یمن و برد بمالی بیارس و زان پس ترك تجارت کنم و بدکانی بنشینم ... تا آخر داستان» از این داستان بخوبی میتوان به موقعیت و اهمیت جزیره کیش که یکی از پایگاههای بازرگانی ایران در خلیج فارس بوده است پی برد، آثار ویرانه قصبه حریرا که از ابنیه قدیمی عهد اسلام بوده نیز باقی مانده است و از ستونهای

(۱) رساله نظری بایران و خلیج فارس نگارش اسمعیل نوری زاده بوشهری - چاپ

طهران ۱۳۲۳ شمسی ص ۱۰۰

(۲) یعنی دریای مدیترانه.

فرو افتاده عمارات بنظر میرسد بر اثر زلزله خراب شده باشد ، قلعه ویرانی هم در نزدیک کرانه دریا وجود دارد که ظاهراً بوسیله دهلیز زیر زمینی بدریا ارتباط داشته دیوارهای آنرا ازسنگ و ساروج ساخته بودند ، در ویرانه های واقع در جزیره کیش ظروف سفالی وچینی و سگه های قدیمی بدست می آید و مساجد متعددی هم در آنجا وجود داشته است (۱) .

جزیره هرمز درمدخل خلیج فارس نزدیک ساحل شهرستان بندرعباس از محل های تاریخی مهم دیگر خلیج فارس بشمار میرود که بنوبه خود در طول قرون متمادی حائز اهمیت فراوان بوده است - ذکر این نکته مفید بنظر میرسد که در زمان قدیم شهر هرمز که بنای آنرا باردشیر بابکان نسبت میدهند (۲) در داخل قسمتهای ساحلی خاک ایران واقع بود و اهمیت فراوان داشت بطوریکه در قرن چهارم هجری هم بندر کرمان وهم بندر سیستان بود وبگفته اصطخری مسجد جامعی داشته منازل بازرگانان در روستاهائی است که دوفرسخ تاشهر مسافت دارد بعدها که هرمزنو در جزیره احداث گردید هرمز کهنه جای کیش را گرفت همانطور که کیش جای سیراف را گرفته بود ومهمترین بنادر تجارتی خلیج فارس شد در سال ۷۱۵ هجری سلطان هرموز شهر قدیم را که در کنار دریا بود برای آنکه دزدان آنرا پیوسته مورد تاخت وتاز قرار میدادند ترك کرد وهرموز نو را در جزیره معروف به جرون یا زرون که تا کرانه دریا يك فرسخ مسافت دارد بنا نمود در پایان قرن هشتم هجری سپاهیان امیر تیمور بشهرهای ساحلی نزدیک هرموز کهنه یورش آوردند وهفت قلعه را در آنجا تسخیر کرده همه را سوزانیدند و محافظین آن قلاع بجزیره جرون گریختند شرف الدین علی نام این هفت قلعه را بدینقرار ذکر نموده است قلعه مینادر هرموز کهنه - قلعه تنگ زندان - قلعه کشک - حصارشمیل - قلعه منوجان

(۱) رساله نظری بایران و خلیج فارس ص ۹۹

(۲) رساله نظری بایران و خلیج فارس ص ۱۰۱

قلعه ترزك - قلعه تازیان^(۱) ابن خرداد به در اواسط قرن نهم هجری جزیره نزدیک هرموز را بنام «ارموز» ذکر کرده است، در کرانه‌های جزیره هرموز سگه‌های طلا یافت شده که در يك طرف آن نام عادلشاه و طرف دیگر اسم جرون نوشته شده است^(۲).

جزیره هرمز که بشرح سابق الذکر از قرن هشتم رونق و آبادی روزافزون یافت بتدریج از نظر بازرگانی اهمیت فوق‌العاده پیدا کرد و میلتنون شاعر انگلیسی مینویسد که «در آن زمان در مشرق از راه مثل می گفتند که: اگر دنیا حلقه انگشتری باشد هرمز نگین آنست»^(۳) در کتاب تمدن ایرانی^(۴) طی مقاله آقای ا. بنیفاسیو (A. Bonifacio) (فصل نخست) در قسمتی که زیر عنوان نواحی خلیج فارس نوشته شده اشاره باین امر گردیده است که «بندر هرمز در جزیره‌ای در مدخل خلیج فارس واقع شده و تا ابتدای قرن هفدهم مرکز بازرگانی مهمی بوده و محصولات هندوستان و حتی خاور دور از این بندر داخل ایران میشده و تا ترکستان میرفته است» در دنباله این مطلب نیز چنین مینویسد: «از قرن ۱۷ تا قرن ۱۹ بندر عباس که در خشکی در مقابل هرمز ساخته شده بود جای بندر هرمز را گرفت» در سال ۹۱۳ هجری مطابق ۱۵۰۷ میلادی دریا سالار پرتغالی بنام البوکرک جزیره هرموز را پس از جنگ سختی که با فرماندار آنجا نمود متصرف گردید و در محلی موسوم به مورون قلعه‌ای بنا نهاد و شاه اسمعیل اول صفوی بعزت گرفتاری‌هایی که با عثمانیان داشت با پرتغالی‌ها مسالمت و سازش نمود تا اینکه در سال ۱۰۳۱ هجری شاه عباس بزرگ با استفاده از کمک

(۱) کتاب سرزمینهای خلافت شرقی ص ۲-۳۴۱

(۲) رساله نظری بایران و خلیج فارس ص ۱۰۲

(۳) نقل از مقاله قدیمترین ذکر دموکراسی در نوشته‌های فارسی بخامنه آقای محمد

اسمعیل رضوانی در مجله راهنمای کتاب شماره خرداد ۱۳۴۱

(۴) از انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب - شماره ۱۴ مجموعه ایرانشناسی تألیف

چند تن از خاورشناسان، ترجمه آقای دکتر عیسی بهنام چاپ طهران ۱۳۳۷

کشتیهای انگلیسی پرتقالیها را از جزیره مزبور بیرون راند و حکومت ایرانرا برانجا مجدداً مستقر ساخت ویرانه‌های قلعه پرتقالیها که معروف بقلعه مرنا بوده اکنون باقی و مشتمل بر دو حیاط بزرگ و تعدادی زیر زمینها و انبارها و چند آب انبار است که در هر کدام چند ستون ساخته بودند (۱).

اکنون مناسب می‌بیند اشاره مختصری هم به آثار باستانی جزیره بحرین نماید :

در کتاب مفیدی که آقای دکتر غلامرضا تاجبخش تحت عنوان مسئله جزایر بحرین بزبان فرانسه تألیف و چاپ نموده‌اند (La Question des Iles Bahreïn) چاپ پاریس ۱۹۶۰) ضمن بررسیهای مختلف در باره بحرین مطالبی نیز در باره پیشینه آثار تاریخی آنجا درج گردیده است از جمله مینویسند که جزایر بحرین مهد تمدن بسیار قدیمی بوده سابقه تمدن آن به هزاره چهارم پیش از میلاد میرسد - در نوشته‌های سومری و آشوری و یونانی بنامهای مختلف نیتوکی Ni-Tuki تیلوون Tilvun دیلوون Dilvun تیروس Tyrus تیلوس Tylus ارادوس Aradus ذکر شده است .

کشفیات باستانشناسی نشان میدهد که از هزاره سوم پیش از میلاد جامعه متشکلی در جزایر بحرین سکونت داشته‌اند (ص ۲۹) پس از فتح بابل بدست کورش کبیر (۵۳۹ پیش از میلاد) بحرین نیز که تحت تسلط بابل بود در حیطه تصرف پارس درآمد و چون ایجاد بحریه بازرگانی برای ایران ضرورت یافت جزایر بحرین پایگاه دریائی مهم ایران شد .

پس از پیروزی اسکندر بر ایران سلطه ایران بر بحرین نیز خاتمه یافت و در آغاز بر قراری سلسله ساسانیان پادشاه بحرین بنام ساپیرون در قلعه‌ای مستقر شد و اردشیر پس از فتح فارس قشونی به بحرین فرستاد و بعد از یکسال محاصره قلعه بتصرف اردشیر درآمد و گنجهای پادشاه بحرین را با ایران آوردند

(۱) رساله نظری بایران و خلیج فارس ص ۱۰۱